



الو، الو... کمک! کمک!... الو... الو...
الو... پلیس!... الو... میخوام با پلیس
صحبت کنم!... الو، پلیس!... الو...!



حالا چکار کنیم کاپیتان!... آهان!
بی سیم... کاپیتان، بی سیم...
همونجا، پهلوتنه.



آه! آدمکشا! حالا دیگه بما شیر هم
میندازن، لعنت بر شیطان!
باید فوری بالاتر بریم!



گوش کن، آقای لامپیون... باید
فوری به پلیس خبر بدی. ما تو به
هلیکوپتر بالای دریاچه لمان هستیم.
داریم به قایق موتوری رو که تورسلو
دزدیده تعقیب میکنیم و...



من سراقین لامپیونم، از بیمه
"مونداس"... تعجب کردی
هان که اینطوری بهم
برخوردیم... تو هم بطور
آماتوری کار رادیو میکنی؟...
ها! ها! بقول عمو آنا تول
از به قل دو قل بازی کردن
جالهتره...



الو س ب ۳۱...
الو س ب ۳۱...
من کاپیتان
هادوک هستم و...



چی؟... نه، غیر ممکنه...
ها! ها! ها!... چه
جاله!... ها! ها!
... کاپیتان هادوک!



الو، اینجا س ب ۳۱...
پیام شمارو شنیدم... من
به آماتورم... بگو شم...
شما کی هستین؟...
هورا!
جواب دادن!



آمیپ تک سلولی، بالاخره به پلیس خبر
میدی یا نه؟... لعنت بر شیطان! عجله
کن! قایق داره بخشی میرسه... دیگه
نمی بینمش... زیر درختها پنهان شده...
چکار دارن میکنن؟... اوه! این چراغها
چی؟... فهمیدم، دارن تورسلو سوار
به اتومبیل میکنن...



ها! ها! ها!... چطور به
دریاداری انگلستان هم
خبر رسد که ناوگان
دریائی بفرستن؟...
برو، هادوک خنده دار!
...!



دست از سرم وردار با این
بیمه لعنتی!... من
شوخی نمیکنم... به پلیس
سوئیس و پلیس فرانسه
خبریده... باید این آدم
دزدا رو دستگیر کنن...



ها! ها! ها!... عجب
آدم شوخیه!... اما هرچی
باشی سر سراقین لامپیونو
نمی تونی شیره بمالی!
... پیش قاضی و معلق
بازی؟... راستی کار
بیمه ات چی شد؟...



وای!... مواظب باش!
مواظب باش!...!



الو، الو، لامپیون! حالا داریم اتومبیل رو تعقیب میکنیم... گوش
کن، هر بیمه ای بخواهی قبول میکنم، فقط به پلیس خبر بده،
خواهش میکنم...



قایق دوباره
حرکت کرد...
لعنت بر
شیطان...



ای کاپیتان دلگه، تو بهتر
بودی گزارشگر رادیو میشدی
... انگار واقعا "همه اینا"
اتفاق می افته!...